نـــویـــد

(وابسته به حـــزب تـــودهٔ ایـــران) شمارهٔ ۱۹، شنبه ۶ اسفندماه ۱۳۵۶

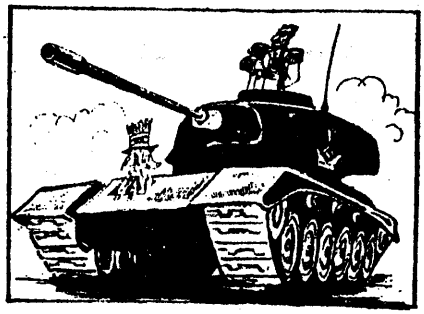

طغیان تبریز و وظایف ما

حوادث پردامنه تبریز که دهها هزار تن ازاقشار و طبقات گوناگون اجتماعی رابه نبرد خونین رودررویا صفوف منظم پلیس و ارتش بر انگیخت ،صرفنظر ازجنبه‌های حماسه انگیز آن ، نشانه بارز نارضایی و طغیان خشم همگانی از رژیم درشکسته و پوسیده ویبمار شاه است. وقتی خلق باچوب دستی و سنگو پاره آجردر گستره ای عظیم به جنگ تانك ها و مسلسل های رود، وقتی شعارهای آزادی را با خون خود شعله می زند و مرگ رابرای متلاشی کردن آن زندگی کوشندی وتحقیر آمیزکه می خواهندبه اوتحمیل کنند ،می پذیرد ،بی شك آن لحظه انفجاری نزدیك شده است که"حکومتمنکنندکان با شیوه های کهنه نتوانند ادامه دهند وحکومت شوندکان نخواهند با وضع سابق حکومت شوند."

اما در چنین لحظه‌ای که حکایت ازبحران عمیق وهمه جانبه و پوك شدن و فرسایش درونی حکومت ازیك سو وقوام یافتن تضادها ی اجتماعی ودر متن آن اوج گیری روحیه طغیانی وانقلابی توده‌ها دارد ،اگر سازمانهای سیاسی و طبقاتی مخالف ،نتوانسته باشند در مواضع اساسی ونقاط حساس وبر تپش جامعه مستقر شوند وارتش منظم و ورزش دیده ، خود را مهیای کارکنند ،چه بسا که این خروش و خیز انقلابی در صحرای لم یزرع شورش و بلوا ی کور و ویرانگر سر ریزشود ودر یك خلا " اجتماعی که از پس این دوران فرا می رسد ،فروکش کند .

عصیان پهلوانی تبریز به ما هشدار داد که شرایط ذهنی به فاصله زیادی ازشرایط عینی انقلاب ،عقب افتاده ، است. توده ها در خشم خود پو گسترده خود ،سازمانهای سیاسی راکه بایدد نقش پیشتاز و رهبری کننده ، داشته باشند ،به دنبال می کشند ، انرژی ذخیره شده انقلابی نه در روند هدایت شده ناگسیختگی، بل در طغیان انتقام جوخشمگین و مهاجم توده های به ستوه آمده ، صرف می شود وبه خاطر این نقیصه ،به جای در هم شکستن وحمله به بنیادهای شالوده ای و تکیه گاهها و ستونهای اصلی رژیم لرزان وضد ملی و ضد دموکراتیك ،به مظاهر آن می تازد وتوانایی های خود را بی مهابا در این راه خرج می کند . بدون سازمان مستحکم سیاسی وانقلابی ،حتی مرفی هم ازیك تحول جدی نمی تواند در میان باشد . مبارزه بی تاکتیك ،همان بفواست ، و تاکتیك تنها در چارچوب سازمان های صنفی ،سیاسی و طبقاتی می تواند معنی مشخص و اثر بخش خود را بیابد . هر مبارزه ای ،

دنباله در صفحه ۳

سلسله مقالات «نـــویـــد» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران ونقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست درقبال آن (۱)

دربرابر طبقهٔ کارگر اهمال کرده اید!

" هرکارخانه باید سنگر ماباشد . . .
کارمابیش ازهمه و به طور عمده ، باید متوجه کارگران کارخانجات و موسسات ،متوجه کارگران شهری شود . . .
ایجاد یك سازمان انقلابی محکم در میان کارگران صنعتی ،اولین و مبرم ترین وظیفه سوسیال دموکراسی است . درلحظه کنون به حد اعلی غیرعقلانی است ،اگر ما توجه خودرا ازاین وظیفه منحرف سازیم . . ."

" لنین "

شما اهمال کرده اید . شما دوستان فدائی دربرابرطبقه کارگر ایران واقعا اهمال کرده اید .

سال های مغتنم وحساسی راکه باید صرف تدارك و تجهیز صبورانه وسازماندهی انقلابی ،درقلب پرولتاریامی شد ،به نازل ترین بها از دست دادید . شما آرمانهای مارکسیسم رادر بازار مکاره خرده بورژوازی به حراج گذاشتید . به نام مارکسیسم ،بعروی آن تیغ کشیدید ،زیر علم پرولتاریا ،آن راتخطئه کردید . . .

روی این سخن باهمه آن روشنفکران مارکسیست ومبارزان خسته و پرتلاشی است که در جست وجوی رستگاری خلق ،ازسنگلاخ سال های آتش و باروت و رنج وخون واسارت و شکست گذشته اند ،اما هنوز خود رادرآستانه نبرد و در آغاز راه می یابند ،آنهایی که به قول پیشوای خردمند اکتبر ،رسالت آگاه کردن پرولتاریا را ازنقش سترگ تاریخی آن به عهده دارند .

شما سالها درخود عوطه خوردید ،پرولتاریا را به خود رها کردید .

یك چند با پاره‌ای از وجود خویش ،به سودا های انقلابی دهقان کم آگاه و بی انگیزه دل خوش داشتید واز برای آیههای وسوسه‌انگیز مائوئیسم ،به روستاها خیره شدید تا طلیعه پرچم سرخ رهایی رادر میان شنزارهابینید و سپاه دهقانی راکعبه محاصره شهر و آزاد کردن بردگان شهری می آمد ،استقبال کنید — وآنگاه‌ازاین معجزه ناممکن مایوس شدید ،دل از خرده بورژوازی روستا کندید ،تا آن راتقدیم خرده بورژوازی پرخاشجوی شهر کنید . شما از یاد بردید که سنگر و نقطه جوشش انقلابی درآنجاست که نبض تولید اجتماعی تند می تپد .شهر یا روستا ،خرده بورژوا یا پرولتاریا ،با این نگرش در جای مناسب خود قرارمی گیرند . بدینسان شما با چشم بستن از این حکم علمی ،درسایه روشنفکر به خشم و هجوم درآمده ،پرولتاریا ،این بی گیرترین و قاطع ترین طبقه انقلابی راگم کردید و سحور جنگ تن به تن قهرمانان مغرور ونبردهای پراکنده جدا ازتوده و طبقه شدید . می خواستید با صدای خروش باروت خلق را بپیدا رکنید ،می خواستید بدون بازوی توانای پرولتاریا ،حزب دورانساز اورا بی افکنید ،می خواستید در شعله‌های خون خود ،استبداد را بسوزانید و افسانه شکست ناپذیری هیولایی را که بر پاهای چوبین ارتجاع واپورتونیسم تکیه داشت و از شکنجه‌گاهها و زندانهای سهگین وسحرگاهان تیرباران با مردم سخن می گفت ،نقش برآب کنید . می خواستید به عبث برتمامی گذشته و حاصلش خط بطلان بکشید و رامتازه‌ای به روی مبارزه بگشایید . ودراین راه بهمایی عبث که پیش از آغازمهرشکست خود رابپیشانی داشت ،پاره‌ای از پرشورترین و موثرترین عناصر طبقه کارگر وعده‌ای ازروشنفکران انقلابی راکبابد گرده سوسیالیسم رابراین گل های عطشناك طبقه بیفشانند ،ازاوربوید و به قتلگاهها و اسارتگاهها کشانید و پشت طبقه کارگر رابااین اصراف و سخاوت کوتهبینانه خالی کردید . گوشهایتان رابه روی این صدای زنده و پرطراوت لنینی بستید که :

جدا کردن روشنفکر انقلابی و کارگرآگاه ازطبقه به مثابه آن است که برای گرم کردن و بحرکت درآوردن محیط کارگری ،چوب هایی راکه درساختمان آن به کار رفته بشکنیم و بسوزانیم.

شما نه تنها عصایی به دست پرولتاریاندادید ،نه‌تنهاتئوری انقلابی رادر او ندمیدید ،تاتبدیل به نیروی اجتماعی شود ،بلکه روشنفکران مبارزی رانیزکه‌ازخارج ،رسالت بردن جهان بینی کارگری ودانش مارکسیستی رابدرون طبقه داشتند ،بعبیراهکشاندید و مذهب پرولتاریاراکبابد راهگشای رستگاری خلق شود ،بی رسول گذاشتید . درهمه این احوال رهنمودهای لنین جاودانه را کمدر برابرچشمهای جهان می درخشید ،ندیدید :

" بدون طبقه ارگرتمام بمب های دنیافاقد قدرتند ، حقیقتا فاقد قدرتند ."

وچون ندانستید که بی طبقه‌کارگر شما سردارانی ورشکسته‌اید ، نتوانستید دریابید کطبقه کارگر نیز بی روشنفکران انقلابی خویش ارتش عظیم بی فرماندهی است کمسر دراك خود فرومی برد وفضای جهان را به خود وامی گذارد .

" وجود آگاهی سوسیال دموکراتیك در کارگران ،اصولا امکان ناپذیر است . این آگاهی را فقط ازخارج می توان به محیط کارگری برد .

تاریخ تمامی کشورها گواه بر آنست که طبقه کارگرتنها با نیروی خود می تواند آگاهی تردیدونیونیستی(تعاونی — صنفی) درخود پدید آورد ،یعنی به ضرورت گردآمدن در اتحادیه ها ،مبارزه با کارفرمایان وواداشتن دولتها به صدور این یا آن قانون مورد نیاز کارگران وغیره معتقد گردد . ولی آموزش سوسیالیسم آفریده آن تئوری های فلسفی ،تاریخی واقتصادی است که نمایندگان تحصیل کرده طبقات توانگر ،یعنی روشنفکران فراهم آورده اند ."

("چهباید کرد ؟" انتشارات حزب توده ایران ـ صفحه ۲)

شما جنبش خودپوی کارگری رادرحصاربی افق مطالبات اقتصادی رهاکردید و غریبه‌خود ،محو رمانتیسم انقلابی وقهرمان پرستی احساساتی ،به خیال خود به صید سوسیالیسم رفتید ،چرا که هم

فوق العادهٔ نـــویـــد به مناسبت «قتل عام دهها آزادیخواه درتبریز» بلافاصله پس ازتهاجم خونین وجنایت بار رژیم شاه به مردم قهرمان تبریز در شهرهای مختلف پخـــش گـــردیـــد